



دانشگاه باقر العلوم
(عمر دولتی - عمر لیسلی)

موضوع:

عوامل وجود از دید ملاصدرا

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر قائمی نیا

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر گرجیان

محقق:

زینب امیری فر

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به

ساحت مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)
که سایه محبت و لطفش همواره بر سر ماست. روح مطهر
امام شهیدان؛ خمینی کبیر (ره) احیاگر اسلام ناب محمدی
(صلی الله علیه وآله) و شهیدان امام!

تشکر و قدردانی

خدا را سپاسگذارم که در همه‌ی مراحل تهیه‌ی این پایان نامه مرا کمک نمود و همچنین از باب «و من لم يشکر المخلوق، لم يشکر الخالق» از همه‌ی عزیزانی که به نحوی در مقدمات و لوازم مورد نیاز این مهم یاری‌ام نمودند، از جنابان آقایان دکتر قائمی‌نیا و گرجیان و همین‌طور خانواده‌ی عزیزم کمال امتنان را دارم!

چکیده

به اعتقاد ملاصدرا، سه عالم کلی وجود تحقق دارد: (۱) عالم محسوسات که همان عالم دنیاست و حادث، کائن و فسادپذیر می‌باشد (۲) عالم متخیلات، یعنی عالم صور مقداری که عینا نظیر عالم محسوسات است با این تفاوت که عاری از ماده می‌باشد. (۳) عالم معقولات که عاری از ماده و خواص مادی است. در این پایان نامه این نظر ملاصدرا به عنوان موسس حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گرفته است.

این پایان نامه دارای سه فصل می‌باشد که عناوین فصول به ترتیب عبارتند از:

فصل اول: کلیات که اختصاص به ارائه‌ی تعریف از هر یک از مراتب وجود و بیان تاریخچه‌ای از بحث این عوالم دارد، فصل دوم: تقریر صدرالمتالهین در مورد عوالم وجود که اختصاص دارد به بیان پیش فرض‌های ملاصدرا در این باب و بیان تقریر او و نیز اثبات و بررسی ویژگی‌های بحث مراتب هستی.

فصل سوم: ثمرات بحث از عوالم وجود در حکمت متعالیه که در آن برخی از مواردی که بحث از عوالم وجود در آن رخ نموده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق.....
۳	طرح مساله:
۴	علت انتخاب موضوع:.....
۴	سابقه‌ی پژوهش:.....
۴	سوال اصلی پژوهش:.....
۵	فرضیه‌های پژوهش:.....
۵	مفاهیم:.....
۵	سوالات فرعی پژوهش:.....
۶	پیش فرضهای پژوهش:.....
۶	اهداف پژوهش:.....
۶	روش پژوهش:.....
۶	روش گردآوری اطلاعات:.....
۷	فصل اول: کلیات.....
۸	مقدمه.....
۹	۱. ۱. ارائه تعریف برای هریک از عوالم وجود.....
۹	۱. ۱. ۱. عالم ماده.....
۹	۱. ۱. ۲. عالم مثال.....

۱۰	۳. ۱. ۱. عالم عقل
۱۰	۲. ۱. تاریخچه بحث
۱۰	۱. ۲. ۱. افلاطون
۱۱	۲. ۲. ۱. ارسطو
۱۳	۳. ۲. ۱. فلوطین
۱۶	۴. ۲. ۱. ابن سینا
۱۸	۵. ۲. ۱. عرفا
۱۹	۶. ۲. ۱. شیخ اشراق
۲۰	۳. ۱. نتیجه از بحث تاریخچه
۲۱	۴. ۱. زندگینامه ملاصدرا
۲۳	۵. ۱. توضیحاتی پیرامون حکمت متعالیه
۲۶	فصل دوم: تقریر صدرالمتألهین در مورد عوالم وجود
۲۷	مقدمه
۲۷	۱. ۲. ۱. پیش فرض‌های ملاصدرا
۲۷	۱. ۱. ۱. اشتراک معنوی وجود
۲۹	۲. ۱. ۲. اصالت وجود
۳۰	۳. ۱. ۲. تشکیک وجود
۳۲	۲. ۲. چگونگی پیدایش کثیر از واحد (کیفیت ابداع عالم) از دید صدرا
۳۸	۳. ۲. دیدگاه صدرا در مورد تعداد عوالم وجود
۴۲	۴. ۲. اثبات عالم ماده و بیان ویژگیهای آن
۴۶	۵. ۲. اثبات عالم مثال و بیان ویژگیهای آن
۴۷	۱. ۲. ۵. ۱. تعریف عالم مثال
۴۷	۲. ۵. ۲. دیدگاه مکتب مشاء و اشراق در مورد عالم مثال

۵۱	۳. ۵. ۲. اثبات عالم مثال و بیان ویژگیهای آن از دید ملاصدرا (ره).....
۵۳	۶. ۲. اثبات عالم عقل و بیان ویژگی های آن.....
۵۳	۱. ۶. ۲. اثبات عالم عقل.....
۵۶	۲. ۶. ۲. بیان ویژگیهای عالم عقل.....
۵۷	۷. ۲. روابط عوالم.....
۵۸	نتیجه:.....
۶۰	فصل سوم: ثمرات بحث عوالم وجود در حکمت متعالیه.....
۶۱	مقدمه.....
۶۱	۳. ۱. انسان و عوالم وجود.....
۶۲	۱. ۱. انسان‌شناسی ملاصدرا.....
۶۴	۲. ۱. ۳. رابطه‌ی انسان و عالم.....
۶۶	۲. ۳. معاد جسمانی.....
۶۶	۱. ۲. ۳. بقای نفس.....
۶۹	۲. ۲. ۳. تعریف معاد.....
۷۰	۳. ۲. ۳. دیدگاه ابن سینا درباره‌ی معاد.....
۷۰	۴. ۲. ۳. دیدگاه شیخ اشراق در مورد معاد جسمانی.....
۷۲	۵. ۲. ۳. دیدگاه ملاصدرا در مورد معاد جسمانی.....
۷۲	اصل اول - اصالت وجود.....
۷۲	اصل دوم - عینیت تشخص و وجود.....
۷۳	اصل سوم - تشکیک وجود.....
۷۳	اصل چهارم - حرکت جوهری.....
۷۳	اصل پنجم - شیئیت شیء به صورت است نه به ماده.....
۷۴	اصل ششم - هویت انسان به نفس است نه بدن.....

۷۴	اصل هفتم - تشخیص به نفس است
۷۵	اصل هشتم - تجرد خیال
۷۵	اصل نهم - قیام صور خیالی و ادراکی به نفس در تمام مراتب
۷۵	اصل دهم - چگونگی خلاقیت نفس پس از خروج از طبیعت
۷۶	اصل یازدهم - انسان جامع اکوان سه گانه طبیعی، مثالی و عقلی
۷۷	نتیجه اصول یازدهگانه
۷۷	۳.۳. کیفیت وجود نفس انسانی در هر یک از مراتب وجود
۸۰	نتیجه:
۸۱	منابع

مقدمه

طرح تحقیق

مَنْتِ خدای را عَزَّ و جَلَّ که طاعتش موجب قربتست و
بشکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می‌رود مملد حیاتست
و چون بر می‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود
است و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید

طرح مساله:

بر مبنای حکمت متعالیه، وجود تنها امر محقق در جهان خارج از ذهن ماست و به جز وجود، هر چه تصور شود، تنها با کمک وجود محقق می‌شود و حقیقت هر چیزی عین وجود آن چیز است.

حقیقت وجود نیز در نظر صدرالمتالهین واحد است که با برهان قابلیت اثبات دارد، در عین حال دارای کثرتی غیر قابل انکار نیز می‌باشد، یعنی نمی‌توان گفت وجود ممکنات عین وجود واجب است.

همه‌ی موجودات حقیقتاً متکثرند اما کثرتشان آن طور نیست که با وحدت سازگار نباشد و موجب تباین هر وجودی با موجود دیگر شود.

در واقع وجود در موجودات دارای شدت و ضعف بوده و این همان معنای تشکیک در حقیقت وجود است که وجود را دارای مراتب و درجات نشان می‌دهد.

پس در یافتیم که طبق حکمت متعالیه کثرت در موجودات راه دارد و وجود واجب با وجود ممکنات متفاوت است گرچه طبق تشکیکی بودن وجود ما به الامتیاز که همان وجود است به ما به الاشتراک باز می‌گردد.

شدت و ضعفی که در اصل وجود نهفته است در وجود ممکنات نیز راه یافته است و به آن نیز مراتب و درجات گوناگون بخشیده است.

در این نوشتار بر آنیم تا از همین مراتب و درجات ممکنات سخن بگوییم.

طبق نظر ملاصدرا عالم ممکنات متعددند و به سه نشئه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: عالم عقل، عالم مثال و عالم طبیعت یا همان عالم مادی. این مراتب و عوالم دارای شدت و ضعف هستند و از این لحاظ بر یکدیگر ترتب دارند. البته ترتب میان آنها طولی و ناشی از رابطه‌ی علیت و معلولیت میان آنهاست. در این نوشتار نظر ملاصدرا در مورد عوالم وجودی، کیفیت تکون هر یک از این عوالم و خصوصیات آنها بررسی می‌شود. در پایان اشاره‌ای به ثمرات این بحث در حکمت متعالیه خواهیم داشت.

علت انتخاب موضوع:

علت انتخاب این موضوع به اهمیت آن در فلسفه باز می‌گردد. حل شدن بسیاری از مسائل فلسفه یا وابسته به فلسفه خصوصاً در بحث‌های انسان‌شناسی (نفس‌شناسی)، معاد، عقول و فرشتگان، سیر کمالی موجودات و حرکت جوهری و از همه مهم‌تر بحث‌های عرفانی و سفرهای چهارگانه‌ی عرفانی که خود صدرا بر اساس آن کتابش را فصل‌بندی کرده و خصوصاً سفر من الخلق الی الحق که در واقع سیر حرکت از نازل‌ترین مرتبه‌ی هستی به بالاترین مرتبه‌ی آن یعنی حرکت از ناسوت (ماده) به لاهوت و جبروت است و دیگر موضوعات، به حل شدن این مسأله‌ی مراتب هستی و ویژگی‌های هر مرتبه بستگی دارد.

سابقه‌ی پژوهش:

در مورد این مسئله کتاب مستقلی وجود ندارد و رساله‌ای نیز تحت این عنوان نگاشته نشده است و مطالب مربوط به این مسئله در ضمن کتب فلسفی موجود است.

سوال اصلی پژوهش:

عوالم وجود از دیدگاه ملاصدرا کدامند؟

با توجه به اینکه مسئله‌ی عوالم وجود مورد بحث و بررسی بسیاری از فلاسفه بوده است و با توجه به اینکه همگی در مقدار این عوالم نظر یکسانی ندارند، باید دید ملاصدرا در این خصوص چه دیدگاهی و چه نوآوری‌هایی دارد و عوالم وجود از منظر ایشان کدامست؟

فرضیه‌های پژوهش:

۱. ملاصدرا به تعدد عوالم وجود معتقد می‌باشد.
ملاصدرا به سه عالم ماده و مثال و عقل معتقد بوده و آنها را به بهترین نحو تبیین و اثبات می‌نماید.
یکی از ارکان اساسی در تطابق این سه عالم مساله تشکیک در وجود است.

مفاهیم:

عالم ماده: که همان عالم دنیاست و حادث و کائن و فساد پذیر می‌باشد.
عالم مثال: یعنی عالم صور مقداری که عیناً "نظیر عالم محسوسات است با این تفاوت که عاری از ماده می‌باشد.

عالم عقل: عالمی که عاری از ماده و خواص آن می‌باشد.

سوالات فرعی پژوهش:

۱. مبنای صدرایی در بررسی عوالم وجود کدامند؟
۲. سیر تاریخی مسئله‌ی عوالم وجود از نظر فلاسفه‌ی متقدم چیست؟
۳. نقش تشکیک وجود در تبیین و اثبات عوالم وجود از منظر ملاصدرا چیست؟
ثمرات و نتایج بحث از عوالم وجود در حکمت متعالیه کدامست؟

پیش فرض‌های پژوهش:

اصالت وجود: آنچه متن هستی و واقعیت را تشکیل می‌دهد و حقیقتاً مصداق برای مفهوم واحد وجود است، همان وجود و هستی می‌باشد.

بدهت وجود: واژه ایست عربی که در فارسی از آن تعبیر به هستی میشود، در فلسفه گفته می‌شود که مفهوم وجود بدیهی التصور است و نیاز به تعریف ندارد.

تجرد نفس: از جمله مخلوقات شگفت‌انگیز خدا نفس است که از صفات خاصی برخوردار می‌باشد که از جمله آن صفت تجرد است. و مهمترین زیربنای اصل تجرد، بقا و جاوداگی است.

اهداف پژوهش:

نیل به تبیین دقیق ملاصدرا در تعدد عوالم و پیامدهای آثاری که بر آن مترتب می‌شود.

روش پژوهش:

توصیفی: بررسی کلی یا جزئی موضوع را توصیفی مینامند.

روش گردآوری اطلاعات:

کتابخانه‌ای: در این روش از اسناد موجود در کتابخانه، فیش برداری میشود.

فصل اول

کلیات

مقدمه

در فصل نخست، ابتدا در گفتاری تحت عنوان «ارائه تعریف برای هر یک از عوالم وجود» مفهوم شناسی مختصری از عوالم ماده، مثال و عقل ارائه می‌شود. در گفتار دوم، تاریخچه این بحث بیان می‌شود و خواهیم دانست که فیلسوفانی نظیر افلاطون، ارسطو، فلوطین، ابن سینا، شیخ اشراق و همچنین عرفا به چه عوالمی معتقد بودند؛ به بیان دیگر «هستی» از دیدگاه آنان دارای چه مراتبی است. در گفتار بعد، نتیجه‌ی مختصری از عقاید هر یک از فیلسوفان ارائه می‌شود و در ادامه به زندگینامه‌ی حکیم ملاصدرا (ره) – که این نوشتار بررسی دیدگاه ایشان در مورد عوالم وجود است – پرداخته شده و در بخش پایانی توضیحاتی پیرامون حکمت متعالیه ارائه می‌شود.

۱.۱. ارائه تعریف برای هر یک از عوالم وجود

۱.۱.۱. عالم ماده

عالم مادی همان جهان محسوس است، که پست‌ترین مراتب وجود را تشکیل می‌دهد. تفاوت عالم ماده با دو عالم دیگر، یعنی عقل و مثال در این است که صورت‌های جوهری این عالم در مقام ذات و فعل و یا فقط در مقام ذات به ماده تعلق و وابستگی دارد و نیز پیدایش این صور متوقف بر استعداد است یعنی باید ابتدا ماده برای پذیرش یک صورت مستعد شود. آنگاه آن صورت، در ماده پدید آید. و از همین روست که گفته‌اند: هر امر مادی، مسبوق به قوه و استعداد و ماده‌ایست که آن را حمل می‌کند. عالم مادی واحدی سیال است که در ذات و جوهرش متحرک است و به تبع حرکت جوهری، اعراض آن هم حرکت می‌کنند.^۱

۱.۱.۲. عالم مثال

مثال در لغت: مثال و مثل هر دو به یک معنی هستند و مثال هر چیزی شبیح و نمونه آن چیز است^۲ و مثال هر چیزی امری است که لا اقل در یکی از اوصاف با ممثل خود، شریک باشد^۳

مثال در اصطلاح فلسفه: در فلسفه کلمه مثال در مورد عالمی به کار می‌رود که حد واسط است میان عالم ماده و مجردات که این عالم، عالم مثال یا مثل معلقه نام دارد. این عالم از یک طرف شبیه عالم اجسام است، زیرا دارای مقدار و شکل و شبیح و قشر اجسام است و از طرف دیگر شبیه به عالم عقول است زیرا مجرد از ماده و فاقد جسم می‌باشد.^۴

۱. *نهایه الحکمه*، طباطبایی، محمد حسین، و بدایه الحکمه، طباطبایی، محمد حسین.

۲. سجادی، جعفر، *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی*، ص ۶۵۹.

۳. معین، محمد، *فرهنگ لغات فارسی*، ج ۳، ص ۳۸۵۲.

۴. سجادی، جعفر، *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی*، صص ۶۵۹ تا ۶۶۰ و معین، محمد، *فرهنگ لغات فارسی*، ج ۳، صص ۳۸۵۲ تا

به این عالم، عالم برزخ هم می‌گویند، زیرا برزخ در لغت یعنی حایل و فاصل میان دو چیز و عالم برزخ نیز حد فاصل میان عالم اجسام و عالم عقول است.^۱

۳. ۱. ۱. ۱. عالم عقل

این عالم، عالم عقول محض است که این عقول محض عبارتند از صوری که مفارق و جدای از ابعاد و اجرام و مواد می‌باشند.^۲ به بیان دیگر عالمی است که هم در مقام ذات و هم در مقام فعل، از ماده و آثار ماده، مجرد و عاری است.^۳

از این عالم با اسامی دیگری نیز یاد شده است که به ذکر بعضی از آنها می‌پردازیم:

عالم امر: آنچه موجود شده بدون سبب را عالم امر گویند.

عالم غیب: جهان عقول و مجردات نوریه است که غایب از عالم شهادت (عالم طبیعت)

می‌باشد.

عالم مجردات، عالم مفارقات و...^۴

۲. ۱. تاریخچه بحث

۱. ۲. ۱. افلاطون

از نظر افلاطون هستی دارای مراتبی می‌باشد و مرکب از موجوداتی است که در ذیل

اشاره می‌شود:

۱. خیر اعلی: در عالی‌ترین مرتبه وجود، خیر اعلی قرار گرفته است که علت ذات صور

می‌باشد. یعنی صانع عام تمام اشیاء زیبا و خوب، موجود نور، خیر اعلی است.

۲. مثل: سلسله‌ای از ذوات عینی وجود دارد که در واقع متعلق مفاهیم کلی است و در

عالمی فراتر از صور معقول ریاضی قرار دارند، این صور، یا مثالها دارای هستی متعالی

۱. کرین، هانری، *ارض ملکوت*، ترجمه: دهشیری، ضیا الدین، ص ۱۹.

۲. شیرازی، صدرالدین محمد، *اسفار*، ج ۳، ص ۵۰۶.

۳. طباطبایی، محمد حسین، *نهایه الحکمه*.

۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، صص ۱۸ تا ۲۱.

می‌باشند. این عالم، واقعیتی مستقل و مفارق از دیگر واقعیات است. این کلیات قائم به ذات و غیر جسمانی می‌باشند و علت ذات تمام چیزهای دیگر هستند.

۳. صور واسطه: افلاطون معتقد است که وجودی‌های ریاضی‌ای موجودند که بین مثل و اشیا محسوس قرار گرفته‌اند این صور معقول ریاضی در وضع واسطه هستند و با اشیا محسوس در این اختلاف دارند که ازلی و ابدی و تغییر ناپذیرند و با مثل در این تفاوت دارند که هر یک از مثل در هر موردی یگانه است لیکن صور ریاضی بسیارند، مثلاً مثلث در عالم مثل یگانه است لیکن در عالم واسطه بسیار است. جهت مشترک این دو عالم این است که در هر دو کثرت وجود دارد و نیز هر دو ازلی و ابدی و تغییر ناپذیرند.

۴. اشیا محسوس: اشیایی که از طریق حواس درک می‌شوند، اعم از جاندار و بی‌جان، موجوداتی هستند که بخشی از هستی را تشکیل می‌دهند.

۵. تصاویر و سایه‌ها: موجوداتی در عالم هست که شبیح و سایه اشیا محسوس می‌باشند: سایه‌ها، انعکاسات در آب و در اجسام سخت و صاف و شفاف از جمله چنین موجودات بشمار می‌آیند.^۱

۲.۲.۱. ارسطو

ارسطو در بیان مراتب هستی، نخست به نقد نظریه افلاطون می‌پردازد و آنگاه عقیده خود را بیان می‌کند. ارسطو معتقد به عالم مثل و عالم ذوات ریاضی نیست. نه صورت‌های ریاضی و نه مثل، اعتباری برای ارسطو ندارند.^۲

نظر ارسطو در مورد مراتب هستی بدین ترتیب است:

۱. تاریخ فلسفه، فردریک کاپلستون، ترجمه سید جلال الدین مجتوی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۲۱۲-

۲۲۵ و بحث در مابعد الطبیعه، ژان وال، ترجمه دکتر مهدوی و همکاران، انتشارات خوارزمی، ص ۸۸۲-۸۸۳ و متا فیزیک ارسطو،

ترجمه شرف الدین خراسانی، ص ۲۵.

۲. متا فیزیک ارسطو، ص ۴۱۹ و ۴۲۸ و ۴۳۷ و ۴۵۶.